

عنوان مقاله:

چالشی در مهم ترین نظریه های فلسفی غرب درباره معنای حق

محل انتشار:

دوفصلنامه حقوق تطبیقی، دوره 0، شماره 21 (سال: 1390)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

نویسنده:

محمدحسین طالبی - استادیار فلسفه حقوق پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

خلاصه مقاله:

فیلسوفان حقوق در غرب پژوهش های گسترده ای درباره چیستی حق انجام داده اند. این تحقیقات دامنه دار نظریه های متنوعی در این موضوع تولید کرده است. امروزه در میان آرای گوناگون فیلسوفان و حقوق دانان غرب پرتفردارترین نظریه های موجود درباره معنای حق «نظریه سود/منفعت» [1] و «نظریه اراده/انتخاب» [2] نام دارد. با وجود قرائت های مختلف از نظریه سود/منفعت، طرفداران این نظرگاه در این ایده هم عقیده اند که هر جا حقی در کار باشد مکلف باید نوعی سود و منفعت به صاحب حق برساند. با نشان دادن برخی از مصادیق حق، از جمله حقوق خداوند و حق های غیر متلازم با تکلیف، این اصل بنیادین در همه تفاسیر نظریه سود/منفعت سست گردیده و به فروپاشی این نظریه می انجامد. ماهیت حق در نظریه اراده/انتخاب عبارت است از: تسلط داشتن صاحب حق بر مکلف در مورد استیفای حق. بنابراین، نظام حقوق کیفری و نیز حقوق واجب الاستیفا از مصادیقی هستند که این نظریه را بر نمی تابد. همچنین وجود مکلف از لوازم وجود حق در این نظریه است. از این رو، حقوق تکوینی خدا و نیز حق های غیر متلازم با تکلیف در تقسیم هوفلد ناقص درستی و استحکام این نظریه اند. [1]. Will/Choice Theory [2]. Benefit/Interest Theory

کلمات کلیدی:

معنای حق، نظریه سود/منفعت، نظریه اراده/انتخاب، حق خدا، حق غیر متلازم با تکلیف

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1205686>

